

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه برگزار میکند:

مصافهای پیشروی جنبش آزادی زن در شمال آفریقا و خاورمیانه



یکبار دیگر،

بی بی سی سخنگوی رژیم اسلامی!

صفحه ۳

آذر ماجدی



در باره روز جهانی کوبانی

تصویری ابتر و مضر از مقاومت توده ای کوبانی

صفحه ۵

سیاوش دانشور

سخنی با خواننده،

تهدید ناسیونالیسم

صفحه ۷

آذر ماجدی

تظاهرات اول نوامبر در دفاع از مقاومت توده ای کوبانی

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

اطلاعیه شماره ۳ کنفرانس بین المللی

مصافهای پیشرو جنبش آزادی زن در شمال آفریقا و خاورمیانه

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه، در باره موقعیت زنان در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه یک کنفرانس بین المللی سازمان داده است. در سه سال گذشته، مردم در منطقه برای خواستهای آزادی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی بپاخواستند. زنان در اعتراض به حکومتها فعالانه خیابانها را تسخیر کردند. زنان در این اعتراضات مورد اذیت و آزار و در مواردی مورد تجاوز جنسی نیروهای امنیتی و باندهای اسلامی قرار گرفتند. در متن اعتراض و خیزش توده ای برای یک دنیای بهتر، زنان هوشیارانه خواهان آزادی و حقوق بیشتر شدند.

این اعتراضات به دنیا نشان داد که مردم منطقه دیگر دیکتاتوری، فقر، فساد دولتی، جنایت و خشونت پلیس را تحمل نمی کنند. اوضاع در بیشتر کشورها بدتر شده است. دولتهای غربی به رهبری آمریکا، دولتهای ارتجاعی منطقه و جنبش اسلام سیاسی با ایجاد جنگ داخلی شرایط وخیمی را در بسیاری کشورها بوجود آورده اند.

ما از فعالان حقوق زن در منطقه دعوت کرده ایم که در این کنفرانس، اوضاع حاد و بحرانی منطقه را بررسی و در مورد راه حلهای مناسب بحث و همفکری کنیم. کنفرانس در روز ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود. از همه علاقه مندان برای شرکت در این کنفرانس دعوت میکنیم با حضور خود و شرکت فعال در مباحث به غنای کنفرانس یاری رسانند.

سخنرانانی که تاکنون شرکت شان قطعی شده است:

هما ارجمند، فریده آرمان، رولا اسد - سوریه، ناصر القاضی - سوریه، امل خریشه - فلسطین، کریمه رشکو - کردستان سوریه، فاتح شیخ، آذر ماجدی، شهلا نوری، لیلین هلس فرنج - فرانسه

شنبه شب: موزیک زنده

برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره کنفرانس می توانید با تلفن ها یا ایمیل زیر تماس بگیرید:

تلفن های تماس

شاهلا نوری +46 (0) 709356418 **کریم نوری +46 (0) 704441555**

ایمیل: majedi.azar@gmail.com

اطلاعات بیشتر و دقیقتر در باره کنفرانس و سخنرانان را در اطلاعیه های بعدی باطلاع می رسانیم.

سازمان آزادی زن

ابتکار فمینیستی اروپا و کشورهای مدیترانه

اکتبر ۲۰۱۴

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



یکبار دیگر،

بی بی سی سخنگوی رژیم اسلامی!

آذر ماجدی

"وظیفه کمپین های حقوق بشری دفاع از حقوق بشری متهم است." اما ظاهراً این کمپین ها وارد مسائلی می شوند که بضرر تمام می شود، بطور مثال در مورد ریحانه به وابستگی مقتول به وزارت اطلاعات رژیم و از آنجا به خود رژیم. "اشکال دیگر (اینست که) با مسائل سیاسی پیوند می خورد. فعالیت حقوق بشری با مبارزه سیاسی ارتباطی ندارد. ... مخالفین رژیم می خواهند پشت سنگر حقوق بشر به رژیم حمله بکنند، این کار اشتباهی است که هم حقوق بشر را خراب می کند، کمالینکه تا حالا کرده، هم آنچنان صدمه ای به رژیم نمی زند. چون آن کسانی که باید از رژیم بگسلند به حقوق بشر مخالفانش اعتماد نخواهند داشت!"
جل الخالق!

این مباحث من درآوردی چه ربطی به اعدام ریحانه جباری دارد؟ "فعالیت حقوق بشری ارتباطی با مبارزه سیاسی ندارد؟!" این اراجیف را باسم تحلیل کارشناسه بخورد من و شما می دهنده. غیر از این است که برای تامین و تضمین حقوق انسانها باید قوانین را تغییر داد و برای تغییر قوانین اگر لازم شود، دولتها را؟ پس این حکم من درآوردی برای چه عنوان می شود؟ برای اینکه مردم را با اسم "حقوق بشر" خام کنند و ان جی او هایی که دکان باز کرده اند تا تحت عنوان حقوق بشر مردم را سر کار بگذارند و نان و آبی برای خود جور کنند، موقعیت شان توجیه شود. مگر می شود مجازات اعدام را بدون دست زدن به یک مبارزه سیاسی لغو کرد؟ مگر می شود از حقوق انسانها، از آزادی و برابری شان بدون یک مبارزه سیاسی دفاع کرد؟ "حقوق بشری آدمها" اگر اینها نیست، پس چیست؟ این جامعه

صفحه ۴

خود دفاع کند. ابتدا از زبان برخی صاحب نظران گفت که آنها رسانه ها و کمپین ها را مقصر اعدام ریحانه می دانند (منظور از صاحب نظران امثال لاریجانی رئیس حقوق بشر ستاد قوه قضائیه رژیم است) سپس بعد از پخش صدای ریحانه و ضجه دلخراش مادر داغیده ریحانه، یک پاسخ مختصر از وکیل ریحانه، عبدالصمد خرمشاهی، پخش کرد تا فضا را برای نتیجه نهایی: یعنی انداختن تقصیر اعدام ریحانه به گردن فعالین کمپین های دفاع از او آماده کند: "مسائلی که پیرامون این پرونده اتفاق افتاد، جنجال هایی که پیرامون پرونده می شود... موجبات ناراحتی طرف مقابل (خانواده مقتول) را فراهم میآورد."

سپس با زیرکی خاص ژورنالیسم ریاکار دموکراسی ارجاع مختصری به مادر ریحانه داد و از قول او گفت که مادر ریحانه هم خواسته بود که به خانواده مقتول فشار آورده نشود. بالاخره به مصاحبه اصلی، حسن ختام برنامه، رسید که نقشش جا انداختن "کارشناسانه" حکم بی بی سی که همان حکم لاریجانی مامور رژیم اسلامی است، در ذهن شنونده است. مصاحبه شنونده بعنوان جامعه شناسی بنام حسن قاضی معرفی شد. این کارشناس "راست حسینی" فعالین کمپین های لغو اعدام ریحانه را مسئول اعدام خواند.

کارشناس بی بی سی ابتدا گفت که فعالین این کمپین ها با کارهایشان "عرصه را بر خانواده مقتول تنگ می کنند" و سپس به فعالین "حقوق بشر" یک درس بلند بالا در انتخاب "تاکتیک" های مناسب و چگونگی دفاع از حقوق بشر داد. وی گفت:

بی بی سی رسانه رسمی دولت انگلستان بارها و بارها خلوص و چاکر منشی خود را به رژیم اسلامی ثابت کرده است. تحت پوشش بی شماری "بیطرفی" و "دموکراسی" مواضع دولت متبوع خویش را از زبان باصطلاح "صاحب نظران" طرفدار رژیم و اصلاح طلب حکومتی بخورد شنونده می دهد؛ با زیرکی خاص ژورنالیسم چکمه لیس و نعلین بوس مدرن، گزارش را بگونه ای تهیه می کند که در انتهای آن، شنونده بی اطلاع و بی خبر از حقیقت، یک کلاه گنده سرش می رود. با این توهم که یک تحلیل "کارشناسانه" شنیده است، دروغ را بجای حقیقت، ریا را بجای دانش می پذیرد. این وظیفه شرافتمندانه بی بی سی است!

ریحانه جباری زن جوانی که از ۱۹ سالگی عمرش را در سیاهچال رژیم اسلامی سپری کرده بود بعد از هفت سال صبح شنبه ۳ آبان به دار آویخته شد. پرونده ریحانه موضوع کمپین های وسیع قرار گرفت، کمپین هایی که برای رهایی او از اعدام تلاش می کردند. سازمانهای مختلف ایرانی و بین المللی برای لغو اعدام او کوشیدند. برخی تلاش کردند خانواده مقتول را از "فصاص" منصرف کنند، برخی تلاش کردند رژیم اسلامی را زیر فشار قرار دهند و افشاء گری کنند. اما، متأسفانه، این رژیم جلاذ اسلامی ریحانه را اعدام کرد. اعدام ریحانه، همانند اعدام های بسیاری انسان دیگر بدست این رژیم آدمکش، قلبهای بسیاری را به درد آورد و موج لعن و نفرین بر این رژیم سرازیر شد.

در این میان بی بی سی یک گزارش ۶ دقیقه ای پخش کرد که طی آن تقصیر اعدام را از روی رژیم اسلامی برداشت و بر دوش فعالین کمپین های دفاع از ریحانه گذاشت. بهمین سادگی!

رژیم اسلامی نمی توانست باین خوبی از

برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

برابری طلبی و کمونیسم وظیفه تخطی ناپذیر این رسانه است. آیا محق نیستیم آنرا مزدور بخوانیم؟ آیا محق نیستیم آنرا ابزار سرکوب، اعدام، قصاص و فقر و بدبختی مردم بنامیم؟

ریحانه توسط رژیم اسلامی اعدام شد. قصاص یک قانون ضد انسانی قرون وسطایی است و تنها راه مبارزه با آن، یک مبارزه سیاسی علیه رژیم اسلامی است. ریحانه سرش بالای دار رفت، نه به این خاطر که عده ای انسان با وجدان و انساندوست برای آزادیش مبارزه کردند؛ سر ریحانه برای زهر چشم گرفتن از مردمی بالای دار رفت که به خیابانها ریختند تا علیه رژیم اسلامی اسید پاش مبارزه کنند. رژیم اسلامی برای عقب نشاندن موج اعتراضی مردم علیه اسید پاشیدن، ریحانه را اعدام کرد تا بگوید که هنوز قدرتمند است، هنوز می تواند بزند و بکشد. ریحانه را اعدام کرد تا با وارد آوردن یک شوک، اعتراضات اوجگیرنده مردم را دچار وقفه یا توقف کند. اتفاقا این یک اعدام کاملا سیاسی بود. برای لغو مجازات اعدام، برای تثبیت حقوق پایه ای انسانها، برای برابری زن و مرد، برای ریشه کردن سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام؛ برای ایجاد یک دنیای بهتر، یک جامعه آزاد، برابر و مرفه رژیم اسلامی را باید سرنگون کرد.

یکبار دیگر،

بی بی سی سخنگوی رژیم اسلامی ...

راه انداختند، چه داخلی چه خارجی، اینها سبب شدند که اولیای دم رضایت ندهند. بخاطر اینکه اینها جهت گیری کردند، {تاکتیک غلطی که جامعه شناس بی بی سی به آن اشاره می کند} و گفتند که دختر بیگناه بوده و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته... اولیای دم بدهکار هم می شوند. "هم عفو کنند و هم گفته شود "زن و بچه یک متجاوز جنسی گذشت کرده." (مصاحبه شبکه تصویری ایرانیان در یوتیوب)

این نقش رسانه های بین المللی است. این رسانه ها در خدمت هیات های حاکمه نظام های دموکراسی هستند. حقیقت برای آنها مثل سم است. کار آنها پخش خبر و حقیقت نیست. وظیفه آنها دروغ پراکنی و تحکیم ایدئولوژی حاکم است. اخبار برای آنها محملی است برای حقانیت دادن به نظام حاکم، دفاع از منافع حکومت های متبوع و بورژوازی. در روز روشن حقیقت را دروغ و دروغ را حقیقت جلوه می دهند. ژورنالیسم بستر اصلی یک دستگاه ریا و حفظ و تحکیم نظام حاکم است. بی بی سی نیز از این قاعده مستثنی نیست. دفاع از رژیم اسلامی، مبارزه با آزادیخواهی و

شناس یا خود نادان است یا مردم را بی عقل فرض گرفته و یا قصد دارد بشبیه ای ابلهانه رژیم اسلامی را از مخصه نجات دهد. گزارشگر بی بی سی با نتیجه پایانی گزارش پاسخ سوال را می دهد، هدف شوق سوم است: "پرونده ای که حتی وزیر دادگستری رژیم ایران گفته بود، امیدوار است که ختم بخیر شود، با یک اعدام پایان یافت."

واقعا شرم آور است. در روز روشن مخالفین اعدام و کسانی که برای جان یک انسان از اعدام تلاش کرده اند را مسبب اعدام او می خوانند. پس از شنیدن این گزارش انسان ناگزیر از خود می پرسد این رادیوی رژیم اسلامی است یا رادیوی دولت انگلیس که ادعای بیطرفی و تحلیل علمی مسائل و اخبار را دارد؟ حال باید به این رسانه و تمام کارکنانش گفت، آیا مردم حق ندارند که یک آیت الله در مقابل رسانه بی بی سی بگذارند؟ باید از این ژورنالیست های نان به نرخ روز خور پرسید: شب چگونه سر به بالین می گذارید؟

برای روشن شدن این احکام صحبت های این جامعه شناس حقوق بشری ملی - اسلامی و گزارش بی بی سی را با صحبت های لاریجانی مقایسه کنید:

"قطعا ما از اینکه شخصی، فرد دیگر را بکشد و یا انسان دیگری اعدام شود خوشحال نمی شویم، اما شما می دانید که موقعیت ما بعنوان حکومت (در موضوع قصاص) میانجیگری برای گرفتن رضایت از اولیای دم مقتول است، اما متاسفانه کمپینی که از سوی رسانه ها و سیاستمداران غربی براه افتاد کاملا این فضا را مسموم کرد و تلاش ها برای گرفتن رضایت از اولیای دم را ناکام گذاشت.

"تمام تلاشمان را کردیم که رضایت اولیای دم را بگیریم... اتفاقا بنظر اینها که کمپین

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

مزد برابر در ازای کار مشابه!



در باره روز جهانی کوبانی

تصویری ابر و مضر از مقاومت توده ای کوبانی

سیاوش دانشور

است. امری که متأسفانه رهبری این تظاهراتها نخواست ببیند و شاید بدلیل تنگ نظری ناسیونالیستی آگاهانه نخواست این نقاط قدرت را برجسته کند و از آن بنفع جذب نیرو برای کوبانی استفاده کند. این سیاست تا هم اکنون به ضرر حمایت جهانی از مقاومت توده ای در کوبانی عمل کرده است.

یک رهبری سیاسی هوشیار اولین وظیفه اش حفظ وحدت جنبشی است که در دفاع از کوبانی بمیدان آمده است. لازمه این امر سعه صدر، دوراندیشی، سکتاریست نبودن و اجتناب از تنگ نظریهای رایج ناسیونالیستی است. این رهبری می بایست هر روز نیروی وسیع تری را در حمایت از کوبانی بعنوان تنها جبهه مترقی و پیشرو علیه تروریسم اسلامی جذب میکرد. این رهبری می بایست هر روز راجع به بسیج سازمانهای زنان در اروپا و آمریکا برای دفاع از آزادی زنان در منطقه و تقابل با اسلام سیاسی حرکت میکرد. این رهبری باید مسئله زن در کوبانی را بسیار بسیار برجسته میکرد تا حمایت و سمپاتی بی نظیر میلیونها انسان آزادیخواه جهان را کسب کند. این رهبری باید به جهان میگفت که میشود به شکل دیگری هم علیه تروریسم اسلامی ایستاد. این رهبری اگر دوراندیش بود باید در کنار یک عکس اوجالان، عکس رهبران مقاومت کوبانی از زن و مرد، و دهها پوستر بزرگ زنان قهرمان کوبانی را آذین میدانهای شهرهای اروپا میکرد. این رهبری باید منشور کانتون ها و کمون ها را بزرگ نویسی میکرد و میگفت این اساس نظم کنونی در کوبانی و قامیشلی و افرین است. این رهبری باید جایگاه برابر زن و مرد را در تمام سطوح نشان میداد و روی آن تاکید میکرد.

صفحه ۶

راسا با همین عنوان کمپین سازمان دهد. اما تظاهرات اول نوامبر هدف دیگری داشت و می توانست تخته پرشی برای بسیج یک حمایت گسترده جهانی از مقاومت توده ای در کوبانی باشد. اما سیاستی که اتخاذ شد، عمدتاً نارضایتی و اعتراض و دلسردی شرکت کنندگان را ایجاد کرد. همه برای دفاع از کوبانی و دفاع از انسانیت آمده بودند اما با تبلیغات شدید ناسیونالیستی کرد روبرو شدند. تردیدی نیست که شاخه اروپائی پ ک ک و چه بسا پ ی د تلاش کرده که از کیس کوبانی به نفع اهداف دیگر بهره جوید. ولی درایت عجیبی برای درک این مسئله لازم نبود که این سمپاتی وسیع جهانی که حول مقاومت توده ای کوبانی ایجاد شده، اساساً بخاطر مسئله کرد نبوده و نیست. حتی تقابل با داعش و جنگ با داعش چنین سمپاتی انسانی و گسترده ای را ایجاد نکرده است. چرا که دولتهای موسوم به ائتلاف همراه با قدرتهای منطقه ای همه علیه داعش میجنگند و کسی برای آنها تظاهرات حمایتی راه نیانداخته است. یا مبارزه مسلحانه صرف این سمپاتی را ایجاد نکرده است. چرا که در همان عراق و سوریه نیروهای ارتجاعی متعددی هستند که علیه داعش میجنگند اما از نظر حامیان کوبانی اینها دوقلوی داعش هستند. حتی پیشمرگ بودن و مشخص تر مرد پیشمرگ نیست که این سمپاتی و توجه عمومی را ایجاد کرده است بلکه حضور گسترده زنان، یگان حفاظت زنان، قهرمانی های زنان در جنگ علیه اسلام سیاسی که پیامش بسیار فراتر از کوبانی و سوریه و عراق گسترش پیدا خواهد کرد، و شنیده ها از نظم و مناسبات اجتماعی دوفاکتو در سه کانتون منطقه کردنشین در سوریه است که این سمپاتی جهانی به کوبانی و مقاومت قهرمانانه اش را ایجاد کرده

اول نوامبر روز جهانی حمایت از مقاومت توده ای کوبانی بود. این روز به ابتکار یکصد و سی نفر از چپ ها و روشنفکران در اروپا و دیگر کشورهای جهان فراخوان داده شد و قرار بود در اینروز "علیه داعش و تروریسم اسلامی، برای کوبانی و برای انسانیت" مردم در شهرهای مختلف جهان به خیابانها بیایند. در حدود صد شهر جهان مردم آزادیخواه با تلاش و فراخوان سازمانهای مختلف بمیدان آمدند تا از کوبانی و مقاومت شکوهمند توده ای علیه تروریسم اسلامی دفاع کنند.

اما آنچه اتفاق افتاد عمیقاً متفاوت بود. در بیشتر تظاهراتها همه شاهد بودند که بجای شعار و هدف فوق عکسی یک بعدی از واقعیت چند بعدی و پیچیده کوبانی و حتی علیه هدف اعلام شده تظاهرات روی صحنه آمد. در بیشتر کشورها انگار شاهد یک تجمع و آکسیون ناسیونالیستی بودید. آنچه روی سن بچشم میخورد عکسهای بزرگ عبدالله اوجالان، پرچم پ ک ک و پرچمهای پ ی د بود. سرود "ای رقیب" و شعارها و سخنرانیهای متعدد برای "آزادی و استقلال کردستان" خمیرمایه اصلی این تظاهراتها بود. حتماً برخی از سخنرانان که فرصت یافتند چیزی بگویند مسائل دیگری را هم طرح کردند اما اینها در قیاس با فضای ناسیونالیستی ایجاد شده برای مقاومت کوبانی تنها میتوانستند حاشیه ای بر متن محسوب شود.

رهبری و تنگ نظری ناسیونالیستی
رهبری تظاهراتهای اول نوامبر بدون تردید در دست بخش اروپائی پ ک ک و پ ی د بود. این را باید تاکید کرد که من هیچ ایرادی به فعالین پ ک ک برای بدست گرفتن و یا آوردن عکسهای اوجالان به این تظاهراتها ندارم. این جریان محق است برای از "لیست تروریستی" درآوردن پ ک ک تلاش کند و

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!

ناسیونالیسم بطور کلی و از هر نوع آنست. با اینحال برای هر آزادیخواه در دنیای امروز، برای کسانی که راه سومی را علیه تروریسم و میلیتاریسم جستجو میکنند، برای کسانی که در خاورمیانه درگیر یک جدال سنگین و استراتژیک با جنبش اسلام سیاسی اند، برای زنانی که میخواهند طوق لعنت اسلام را دور بباندازند، این سیاستهای تنگ نظرانه ذره ای از حقانیت کوبانی و قهرمانی تاکتونی اش کم نمیکند.

شاید این نکته اغراق آمیز بنظر بیاید ولی در اول نوامبر کوبانی واقعا تنها بود! *



در باره روز جهانی کوبانی تصویری ابتر و مضر از مقاومت توده ای کوبانی ...

این رهبری باید بر سکولار بودن این نظم و عدم هر نوع تفرقه و تحریک قومی و مذهبی آگاهانه تاکید میکرد. این رهبری باید نشان میداد که مردم چگونه در این اوضاع زندگی میکنند، کودکان وضع شان چگونه است، و خلاصه تصویری همه جانبه و جذاب و واقعی میداد که منشا مادی و واقعی مقاومت توده ای در کوبانی است. تصویری که نیرو جذب میکند و به مقاومت کوبانی انرژی میدهد. این رهبری بجای اینکه الگویش را جلوی چشم جهان بگذارد به تبلیغات ناسیونالیستی قبل از واقعه کوبانی و قبل از اوضاع سوریه و عراق رجعت کرد.

افسوس که این فرصت ایجاد شده برای بدست دادن تصویری پیشرو و منطبق با واقعیات کوبانی با محاسبات خرد ناسیونالیستی و سکتاریستی سوخت. آیا واقعا عکسهای اوجالان و سرود "ای رقیب" جای خالی همه اینها را پر میکند؟ روشن است که نمیکند. برجسته کردن تصویر قومی برای یک حرکت جهانی هیچ منفعتی ندارد. روشن است که سیاست تاکتونی مضر بوده، خواسته یا ناخواسته علیه مقاومت توده ای کوبانی عمل کرده است، دلسردی و فاصله ایجاد میکند و صف حامیان کوبانی را پراکنده میکند. خطرناک تر از همه اینست که وقتی مرتباً روی هویت "ملی کرد" میکوبید و بخشا سخن گفتن بحق علیه سیاستهای ارتجاعی دولت ترکیه را به "ترک" ها تعمیم میدهید، آنوقت باید بجای همبستگی جهانی و منطقه ای انسانها، شاهد دعوی "کرد" و "ترک" باشیم. این دیگر فاجعه است. یعنی همان چیزی که در یوگسلاوی و عراق به اشکال دیگری منشا انواع نزاع و نفرت پراکنی قومی و مذهبی بوده است. اینجا است که "برای انسانیت" یعنی شعار تظاهرات، زوررقی شیک است که دور اهداف ناسیونالیستی پیچیده شده و تنها نتیجه اش ایجاد عدم اعتماد است. تنگ نظری و محدود نگری و سکتاریسم ناسیونالیستی ظرفیت این را دارد که یک جنبش توده ای و یک مقاومت شکوهمند توده ای را منزوی کند، به سازش بکشاند و حتی به شکست بکشاند. ما این تجارب را در ایران و در متن انقلاب ۵۷ پشت سر داریم.

مردم آزادیخواه جهان، از کمونیست ها و سوسیالیست ها و نیروهای متعدد سیاسی برای کوبانی و در دفاع از انسانیت روز اول نوامبر به خیابانها آمدند. اما کوبانی و تصویر کاملش در حاشیه بود و ناسیونالیسم کرد و آرزوهای ملی میداناری میکرد. امری که ربطی بلافاصله به سرنوشت امروز و فردای مقاومت کوبانی نداشت و تا همینجا ضربات مهلکی به تصویر واقعی و جذاب کوبانی زده است. و بالاخره باید تاکید کرد این تنگ نظری نه از اشتباه محاسبه بلکه خصلت ایدئولوژی

اعدام قتل عمد دولتی است!



قیام ها، خیزش ها، مقاومت های مسلحانه توده ای طی تاریخ برای آزادی، برابری، علیه سرکوب و اختناق، علیه فاشیسم رخ داده است. طی این رویدادهای حماسی مردم با چنگ و دندان از زندگی و حرمت و آزادی خویش دفاع کرده اند؛ این مبارزات، قیام ها و خیزش ها را نمی توان با اتکاء به ملیت، قومیت یا

زبانی که مردم به آن تکلم می کنند تبیین کرد، هر چند که شرایط اجتماعی و سیاسی مردم و منطقه در پیشبرد و نحوه جنگ موثر است. به تاریخ اخیر ایران رجوع کنیم. مقاومت مردم سندج در نوروز ۱۳۵۸ و جنگ ۲۴ روزه در مقابل حملات وحشیانه رژیم اسلامی، یک مقاومت ناسیونالیستی نبود. مبارزه مردم علیه یک حکومت سرکوب بود؛ در دفاع از آزادی و حقوق انسانی شان بود. اما ناسیونالیسم کرد می کوشد این مقاومت قهرمانانه را نیز پبای خود بنویسد. خوشبختانه بسیاری از سازماندهندگان و رهبران کمونیست این مقاومت وجود دارند و تبیین خویش را ارائه داده اند.

مردم کوبانی برای دفاع از جان و حرمت و زندگیشان دست به اسلحه بردند و در مقابل یک جریان سیاه، مرتجع و بیرحم که آمده بود تا زندگیشان را به یغما ببرد مقاومت کردند. این واقعیت این حماسه تحسین برانگیز است و از همین رو است که دنیا را تکان داد و نور امید را به قلبهای بسیاری تاباند. به دنیا نشان داد که می توان در برابر ارتجاع تا دندان مسلح مقاومت سازمان داد. می توان کابوس یک سناریوی سیاه را به امید و پیروزی بدل کرد. ترس و ارعاب و تسلیم را که می رفت تا به شرایط حاکم بدل شود، به مقاومت و امید و قهرمانی بدل کرد. بعلاوه، نشان داد که برای مقابله با تروریسم، چه اسلامی و چه دولتی نباید به تروریسم رقیب پناه برد. مجبور نیستیم که به یکی از این دو برای رهایی از بختک دیگری پناه ببریم. راه سوم، انتخاب دیگری نیز موجود است. سازماندهی قطب بشریت آزادیخواه و متمدن. کوبانی سمبل این قطب است.*

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.org

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

سخنی با خواننده،

تهدید ناسیونالیسم

آذر ماجدی

در شماره پیش تحت عنوان "نسیم مارکسیسم" نوشتیم که رسانه های بین المللی و ناسیونالیسم گرد نیروی خود را بکار گرفته اند تا حماسه مقاومت توده ای کوبانی را به ناسیونالیسم گرد نسبت دهند. نوشتیم حال که این مقاومت قهرمانانه و همبستگی عظیم بین المللی وادار شان کرده آنرا برسمیت بشناسند و از آن سخن بگویند، می کوشند که تبیین خود را از آن در اذهان جا بیاندازند؛ تلاش می کنند آنرا از آن خود کنند. و اگر ما در مقابل آنها با تمام قوا بلند نشویم، اگر نکوشیم که حقیقت را به جهانیان اعلام کنیم، در این نیت ارتجاعی خود بدون هیچ دردمندی موفق خواهند شد.

نزدیک به یک هفته است که اعزام ۱۵۰ پیشمرگ به کوبانی توسط دولت اقلیم کردستان و با اجازه دولت ترکیه را با سر و صدا و هیاهو و جنجال جار می زنند. بالاخره دولت مرتجع اقلیم کردستان که در ابتدا از جبهه عقب نشسته بود تا داعش خدمت مردم این منطقه برسد، زیر فشار اعتراضات بین المللی، برای جلوگیری از آبرو ریزی بیشتر و با چراغ سبز آمریکا و ناتو مجبور به دخالت شد. مردم کوبانی بیش از یکماه قهرمانانه و با کمترین امکانات تسلیحاتی و زندگی علیه هیولای داعش مجهز به مدرنترین سلاح های غرب و برخوردار از پول و پشتیبانی عربستان سعودی، قطر و دولت ترکیه، جنگیدند. این مقاومت توده ای با سکوت کامل رسانه ها و دولت های غربی مواجه شد. تنها پس از یکماه، پس از پخش اخبار توسط رسانه های اجتماعی و اعلام همبستگی وسیع بین المللی، آمریکا عملاً مجبور شد که از مردم کوبانی اعلام پشتیبانی کند.

مردم کوبانی ساکن کردستان سوریه، کرد زبان و منتسب به گرد اند. این یک فاکت جغرافیای سیاسی است. این نیز درست است که حزب حاکم در این منطقه یک حزب ناسیونالیست کرد است. در اینجا بحثی نیست. بحث در آنجاست که جریانات قوم پرست گرد می کوشند مقاومت قهرمانانه مردم کوبانی برای دفاع از زندگی، حرمت و آزادی شان را غصب کنند. اگر تبیین رسانه های بورژوازی و ناسیونالیسم کرد از رویداد کوبانی را بپذیریم، آنگاه باید تمام رویدادهای مشابه در تاریخ را نیز از همین دریچه بنگریم. لابد باید جنگ قهرمانانه مردم روسیه علیه فاشیسم در جنگ جهانی دوم را نیز پبای ناسیونالیسم روس بنویسیم. آنگاه جنگ داخلی در اسپانیا، حماسه مقاومت قهرمانانه بخش وسیعی از مردم علیه فاشیسم برهبری فرانکو اسپانیایی را چگونه می توانیم تبیین کنیم؟

زنده باد مقاومت توده ای کوبانی!

شرکت سازمان آزادی زن در تظاهرات اول نوامبر در حمایت از مقاومت توده ای کوبانی، گوتبرگ



مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

از یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

به سازمان آزادی زن پیوندید!